

طراحی فرم مسأله‌شناسی

مقدمه

ضروری است که تعریف یکسانی از موضوع و مسأله و تفاوت آن‌ها با یکدیگر داشته باشیم. زیرا «موضوع» با تعاریف مختلفی امروزه کاربرد دارد، خصوصاً آنچه ما حوزویان از «موضوع» می‌فهمیم متفاوت است با آنچه در علوم غربی مطرح است که دانشگاهیان ما با آن کار می‌کنند.

ماهیت مسأله

«نکته اساسی در تعریف مسئله‌شناسی در خود مفهوم «مسئله» نهفته است. شاید بهترین تعریف این باشد که مسئله را باید امری دانست که در بهترین حالت می‌توان آن را امری خواند که «باعث **اختلال و برهم خوردن نظم و تعادل** شده است.» هنگامی که صحبت در خصوص امور اجتماعی و فرهنگی باشد، باید جنس این اختلال را **امری اجتماعی** تعریف کرد. اجتماعی بودن در اینجا به معنای «مرتبط به ساختار جامعه بودن» است. حساسیت مسئله اجتماعی به **تغییر زمان و مکان** است. با تغییر زمان و مکان، مسئله فرهنگی و اجتماعی صورتی متفاوت به خود می‌گیرد و می‌تواند دستخوش تغییر شوند. باید توجه داشت که زمان و مکان را نمی‌توان از مسائل فرهنگی به صورت کاملاً مجزا در نظر گرفت. مسائل فرهنگی **در دل زمان و مکان ایجاد می‌شوند** و باید سعی داشت که هر مسئله‌ای را در ظرف زمانی و مکانی مرتبط با خودش دید و تجربه کرد. چرا باید به مسئله فرهنگی و اجتماعی پرداخت؟ مسئله اجتماعی می‌تواند اختلال‌ها و نارسایی‌هایی را در جامعه ایجاد کند. به دلیل همین امر، باید تلاش کرد تا این نارسایی را از عرصه جامعه زدود. از این حیث اولین و مهم‌ترین بعد توجه به مسئله اجتماعی روشن می‌گردد. اگر به این باور برسیم که مسائل اجتماعی **مانع رشد و توسعه کشور** است، به سادگی به این نکته رهنمون خواهیم شد که مقابله و تلاش نظری و عملی با مسائل اجتماعی، راه را برای توسعه و رشد جامعه خواهد گشود.^۱

ربط موضوع و مسأله

«مسأله» ظاهراً همان «موضوع» نیست. بلکه ترکیبی از موضوعات است. معمولاً هر مسأله با چندین موضوع مختلف درگیر می‌باشد. مثلاً مسأله «افزایش پوشیدن ساپورت در شهر تهران»، این با موضوعات متعددی ارتباط دارد: ماهواره، تحصیلات، شهرنشینی، ویژگی‌های پایتخت، اقتصاد شهری، هزینه‌های بالا در تهران، زندگی آپارتمانی، فرهنگ مهاجرت، ویژگی‌های مساجد در تهران، آزادی بیشتر زنان در خانواده‌های شهری و... پس ما چندین موضوع از سرشاخه‌های مختلف را می‌بینیم که با هم ترکیب شده‌اند و یک مسأله را شکل داده‌اند.

در حقیقت وقتی از موضوعات بحث می‌کنیم، سعی می‌نماییم «انتزاع» نماییم، تا از زیرشاخه‌ها به سرشاخه‌ها دست یابیم، مثلاً برسیم به «اقتصاد». اما وقتی از مسأله صحبت می‌کنیم، می‌خواهیم ترکیب موضوعات مختلف را ببینیم که چگونه دست در دست هم، یک «پدیده» را ایجاد نموده‌اند.

در نگاه غیرحوزوی، موضوع معادل Subject (سوژه) و متزاع از واقعیت یا همان Object (اُبژه) می‌باشد. پس وقتی مقالات دانشگاهی را می‌خوانیم و یا قرار است به زبان آنان طرح بنویسیم باید به این تعاریف دقت کنیم.

¹ <http://www.mehrnews.com/news/2880126>

«مسئله» هم در تعریف، آن چالش و مشکلی است که در ذهن اکثر افراد جامعه جای گرفته و در اثر یک تغییر سریع پدید آمده و در مسیر بحران‌سازی اجتماعی‌ست.

ضرورت مسئله‌شناسی

می‌دانیم غیرممکن است بدون مسئله‌شناسی بتوان موضوعات را تجمیع کرد و درختواره ساخت. زیرا موضوعات با واقعیات تناظر دارند و چون میلیاردها واقعیت در پیرامون ما هست، پس میلیاردها و ناشمارا موضوع روبه‌روی ما قرار دارد. هر فردی وقتی بخواهد درختواره‌ای از موضوعات بسازد، بی‌تردید با توجه به «نیاز»ی که احساس می‌کند، بخشی از موضوعات را انتخاب کرده و بر اساس «فهم» خود آن‌ها را طبقه‌بندی می‌نماید. هم «انتخاب موضوع» و هم «رتبه‌بندی موضوع» ناشی از نوعی «مسئله‌شناسی ناخودآگاه» در فرد است. اوست که متوجه می‌شود «این دسته از موضوعات» با مشکل وی یا مشکل جامعه مخاطبش مرتبط هستند، پس آن‌ها را برمی‌گزیند!

بنابراین، ما ابتدا باید بفهمیم مخاطبمان چه مشکلی دارد و چه چیزی برایش «مسئله» است، تا موضوعات مرتبط با آن را انتخاب کرده، طبقه‌بندی نماییم.

این مطلب هم چیزی نیست که با «فکر» کردن به دست بیاید. از سنخ داده‌هایی است که صرفاً از طریق تجربه و پیمایش حاصل می‌شود. یعنی باید برویم و ببینیم که «مسئله او» چیست.

خصوصیات مسئله

وقتی مسئله به زمان و مکان ارتباط دارد، ما خصوصیات ذیل را برای شناسایی هر مسئله باید تجمیع نماییم:

۱. **عنوان مسئله:** عبارتی که توصیف‌گر یک پرسش باشد، یا بیانگر پدیده‌ای که روی داده است.
۲. **محدوده جغرافیایی:** محدوده‌ای که مسئله در آن حادث شده و مورد بررسی قرار گرفته.
۳. **مبدأ زمانی:** مبدأ زمانی که مسئله پیدا شده، نقطه‌ای از تاریخ که پیش از آن این مشکل نبوده، یا اگر بوده، نگرانی اجتماعی ایجاد نمی‌کرده.
۴. **تاریخ مسئله:** وضعیت پایدار و باثباتی که پیش از پیدا شدن مسئله وجود داشته است. با توجه به این که مسئله از یک «تغییر» نشأت می‌گیرد، وضعیت پیش از تغییر باید معلوم شود.
۵. **عوامل احتمالی:** آن دسته از عواملی که می‌توانند علت پیدایش این مسئله باشند.
۶. **گزارشگران:** منابعی که مسئله را گزارش نموده‌اند. از سنخ مطبوعات، یا مسئولین و یا مردم یک منطقه.
۷. **دامنه آسیب:** فهرستی از اثرات قطعی و یا احتمالی مسئله در جامعه، آسیب‌هایی که ایجاد شده و یا در آینده نزدیک ایجاد خواهد شد، در صورت ادامه یافتن مسئله.
۸. **راه‌حل‌های پیشنهادی:** در صورتی که گزارشگران مسئله، خود راه‌حل‌هایی نیز ارائه نموده باشند، به عنوان جزئی از خصوصیات مسئله محسوب می‌گردند.
۹. **گستره موضوعی:** باز هم تنها در صورتی که گزارشگران پدیده، دامنه موضوعات مرتبط با آن پدیده را ذکر کرده باشند، این داده‌ها نیز در این مرحله جزء خصوصیات مسئله به حساب می‌آید.
۱۰. **بسامد گزارش:** این که مسئله چندبار و با چه تکراری مورد توجه گزارشگران قرار گرفته است.
۱۱. **ارزشداد گزارش:** گزارشگران چه اولییتی به پدیده داده و در چه درجه از اهمیتی آن را نشر داده‌اند.

اگر داده‌های فوق را پیرامون هر مسئله، در یک فرم یا کاربرگ بگنجانیم، می‌توانیم بگوییم مسئله‌شناسی کرده‌ایم. طراحی فرمی که حاوی فیلدهای فوق باشد، می‌تواند راه ما را به سوی مسئله‌شناسی هموار نماید.